[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

لخفاک‌هعش رد نایتملخ زاپچ رال

هداز‌یسرا‌هلمج لضفلاابا ‌رتکد
رهکلسا دازآ هاگشناد یملع تأیه وضع
نابش دحاو

هدیکچ

:عوضوم اب لخفاک زا رظن رد «نایتملخ زاپچ رال» بیکرت هب یسررب هب هلاقم نیا

تفرگ رد زا نایتملخ زاپچ رال   تفرگ هدیپ زا رذ یاهر هک لیب یقلس

رضع هب بیبعت نیا ،تسا تسد رد لخفاک هعش یمضهم اب هک یراکهیش تیشیب رد .ملاک یه هراشا
با نالقشلاخ تاملخ نابش «نیشم» رضع هب تیب نالاثم یگیر هب هجوت اب و «رال نیتفرگ یقورز»
.تسا هدمآ «قهشعم یزارپ هوهپ

هژاو رظعلن زا یگیر هک میاوهاد نابش یرسک اوب نهتم زا یدلماهش هثارا اب هیضخ لاقم رد
:دلشاب زاپچ هلیتف رضعم هب الهتقاره لجنیا رد هک تسا (یهسنه) هلش هتفاب و هیچراپ رضعم هب رال
قهشعم هوهپ زا بلجم نتفر کلاب نایله تریمه نیا رد هک زاپچ هلیتف رضعی زاپچ رال نیاربان
میاوهاد ناشنیچمه .دیآرب هجوت هب دلبین رهیبشت نالکتسش تاملخ هب زاپچ هلیتف ناملآ کلاب اب
هک رد سیاسم یماکان لخفاک هژاو رال اب هژالان یگیرب هک هتبهم اب لپارچه تسا للناه هلاژن
.تسا هلش هاوم بسلتن هب . . . و هلاک ر تیفق ،هدور دمیخب

هژاو دیلک : هعش ،لخفاک ،رال ،رال زاپچ ،نایتملخ.

۱۳۸۴/۲/۱۲ : هلاقم تفایرد   ۱۳۸۴/۸/۱۷ :یئاهن شیذپ

همچنین به فهم همه کشش‌های [illegible] در دهه‌های اخیر و به ویژه با جنبشی که در بازشناسی شعر و شخصیت شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی پس از همایش نکوداشت او در سال ۱۳۶۷ آغاز گردید و با شکل‌گیری روز نکوداشت او در ۲۰ مهر ماه هر سال در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، همایش‌ها برای شناخت بهتر و دقیق‌تر او، سبک و سیاق تازه‌ای به خود گرفته است. این سخن که کارنامه حافظ‌پژوهی همچنان «پرگو است اما پربار نیست» (خرمشاهی، ۱۳۶۷: ص ۱۵) [illegible] از محافل و [illegible] افتاده است.

شاید اوج‌گیری هنرورزی‌های شاعرانه و به تعبیری دقیق‌تر رندانه در سخن حافظ، در مقطعی استثنایی همیشگی در طول تاریخ ادب فارسی به همراه قدرت قلم سحرانگیز و بیان افسونگر اوست که با دست‌چین کردن همه زیبایی‌های شگرف در شعر شاعران پیش از خود از رودکی تا خواجو و عطار [illegible] به آنها در همه این روزگاران پس از او این جهان را [illegible] آورده [illegible] به هر بیت و مصراع و حتی واژه بارها و بارها بحث و تفکر و [illegible] و بسط سخن را [illegible] آن بیت و اعجاز بلاغت [illegible] همچنان [illegible] از آن مطالب [illegible] «از [illegible] خود» [illegible] امروزه و در [illegible] که [illegible] به آنجا [illegible] که خود او [illegible] است:

[illegible]

(دیوان حافظ ۳ و ۲/۱۵۶)

در انجیل نیز [illegible] «سخن» نیست که [illegible] به اثبات [illegible]

[illegible]:

[illegible]

(۶۶/۳)

[illegible] است:

[illegible]

آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت
وین پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت

آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت
وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت

زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب
گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت

بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود
عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت

هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت
چون تو درآمدی پی کاری دگر گرفت

زین قصه هفت گنبد افلاک پرصداست
کوته نظر ببین که سخن مختصر گرفت

حافظ تو این سخن ز که آموختی که بخت
تعویذ کرد شعر تو را و به زر گرفت

موضوع گفتار ما در اینجا به سه بیت نخست و مصراع دوم آن است «کار چراغ خلوتیان باز درگرفت» [illegible] که به این بیت نوشته شده است:

«[illegible] و کار چراغ اهل خلوت شعله‌ور شد: یعنی چراغشان روشن گشت: یعنی اهل خلوت که چراغشان خاموش گشته بود [illegible] . . . [illegible] (معشوقه) [illegible]» (سودی، ۱۳۷۳: ص ۵۳)

«کار چراغ خلوتیان: کنایه از [illegible]» ([illegible])

«[illegible]» (خطیب رهبر، ۱۳۸۲: ص ۱۲۰)

«. . . [illegible] — [illegible]: [illegible]» (همایون‌فرخ، ۱۳۶۹: ص ۱۷۱)

«[illegible]» ([illegible]، ۱۳۷۲: ص ۱۸۵۳)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

«معشوقه [illegible] و [illegible] از [illegible]؛ یعنی از فلسفه [illegible] ما را ببینند... چراغ آنها [illegible] یعنی روشن شد: اما در اینجا فلسفه با معشوقه [illegible] است که چراغ [illegible] این جهت را روشن می‌کند». (کاپلستون، ۱۳۸۲، ص ۷۸۲)

اما جدا از این [illegible] آثار [illegible] فلسفه [illegible] که به شرح و [illegible]:

حتی در «فلسفه درباره حقیقت مقالات» در [illegible] «فلسفه [illegible]» [illegible] «فلسفه شناخت» [illegible] «فلسفه زبان» [illegible] «فلسفه تاریخ» [illegible]

[illegible]

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

دتسا لخفله ءدهو ید ردءلقتاا و رهیقیقحت تاکالقه نالفاهم و نیءولند از رتسهوهف هک لخفله نیـگزاب
۲.تسا هتشاذلذ ءهجو «ءاايا رلحه ریهحت» لي ولهبا هلحقف هلگ چیهه دتیب نیا هنیوز ید هک هیبلیرهدء

و عوسهة از رسیک ب‌اء نهته هگیء و لخفله ناهیء ید لرک ه‌اثو نهکلکهز رعانه ریرسیب
سفیالخ و سفیالخ همه هرلحع لخفله ناهیء هک لجنآ از و ءارء تیلکه ه‌اثو نیا ریلنعه هتسگ
هب او یعش ید لرک ه‌اثو نهکلکهز رعانه ءددءءدرب لمش هب هتشه نةء لت زلغآ از ءدرد رسیک ءدجا
.تسا هلش ءدرءآ رعلعه ردلنی و ریلبین

هلن تغا ید الحخه لیقف هکلاک و هتفز رلک هب رسیک ب‌اء ید هک «رلک» ه‌اثو نهکلکهز رعانه
:تسا نینچ دتسا هدرءآ رلک ه‌اثو ریءل

۱.رلک: ریتلد رلمد رلعف و رشنگ

۲. رلک: رلمد نتشذ نزلن

ءکر ریءهتسد هب رلک و بستحه ریچ لدش	ءکر ریءهتسد هیهة زز ستخه نالتسءه
(۵۶ رهء دناهیء)	

۳. رلک: رلنب

هک شیس هزسش هب ءرآب زیز هخم لنمک	تسرف هلیء رلک ءهه نالک رلهرلک هب
(۱۳۱ رهء دنالتسلگ)	

۴. رلک: تلیث و اثه

ریلرک لنسگ ریلنسه زسهآ عهلب هک	ریزاتفزا ید و رکنس از عهوکر ریرد رسپ –
(رلک ریءل دهلن تغا از رلقت دریهچنه)	

۵. رلک: هرگ

« رهلد (و) رهدلبه ال تفگ لي همه ییلغهب اهیءوز یتهب تسا بحملللاا ءهدلبه تفگ رلک ییلغهب
دریحعقاا و نیریاهتاا رلمجه) «ماءلرهه رلنیز بللحماللبه رینز گه تمکلاک نه هک لیسس رلیءرنین
(هلن تغا

ه‌الشا ن‌آ ید همه الحخه هلن تغا ید و تسا هلمآ لخفله ناهیء ید رلک رعانه از هچنیآ لها
لبنتسا لهتیب ید رلک ه‌اثو ردلنعه رهلساب لجنآ ید ال هیقب و تسا اهل ءدءه لنچ نیسمه دلش

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]
[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[illegible]. این واژه ۱۲۵ بار دیوان حافظ به کار رفته است (صدیقیان ۱۳۶۶، ص ۸۴۳) که [illegible] نشان از تنوع معنایی آن دارد. برخی تعبیرات مهم از واژه کار در دیوان حافظ چنین است:

۱. کار: عمل و فعل و شغل

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱/۲۶۶)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱/۶۸۶)

۲. کار: عمل زشت زنا

[illegible] دهخدا، لغت‌نامه، بیت معروف

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱/۱۳۱)

[illegible] آورده‌ایم، اما دقت در دیوان حافظ [illegible]

[illegible]

(دیوان ۱/۵۴)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱/۵۱)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱/۴۴۱)

۳. کار: [illegible]

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۲/۳۶۲)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۲۲۷/۴)

۴. کار: عشق

این تعبیر در سنت فقهی مقابل معنی (عمل زشت) [illegible] است و این مفهوم در شعر خلاف اولی
به آن است.

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۲۲/۱)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۴۸/۲)

و نیز: ۱۷۲/۲ و ۲۲۵/۲ و ۴۷۹/۲

۵. کار: عمل [illegible]

از این تعبیر در [illegible] استفاده شده است که [illegible] از انجام امور [illegible]
باشد و در حقیقت [illegible] «[illegible]» است:

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۸۲/۶)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱۲۰/۲)

و نیز: ۲۶/۴ و ۸۲/۶ و ۲۱۲/۷، ۲/۲۶۴ و ۲۹۲/۶ و ۴۰۰/۹

۶. کار: منزلت و قسمت

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱۴۰/۲)

[illegible] – [illegible]

(دیوان ۱۶۱/۶)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

ملیلـــشگر لــه هتــسب هیـف رلـک ناز هیـگ — ملیلـــشگر لــهملکیـــه ری هـح لـیآ ءهـب -

(۱\۲۰۲ ناهید)

و نیز: ۳\۳۶۱ و ۱\۳۱۲ و ۷\۵۳۲ و ۷\۸۱۳

۷. کار: شباهت نهشیلن[3]

ل ناملیا ملنـنک تاباسخ رلک بسـ ری هـح — ملنلنخره نالشک ءری ب هک وهق نیا امسةت -

(۵\۹ ناهید)

ملیلـــشگر لــه لـههتــسب هیـف رلـک ناز هیـگ — ملیلـــشگر لــهملکیـــه ری هـح لـیآ ءهـب -

(۱\۲۰۲ ناهید)

ءلب اءلب هجیـــه و نالـلن ىفـه ب همیءز — ءلینرب رلک ؟تسیچ نالهز رشیه و باهـــش -

(۱\۱۰۱ ناهید)

۸. کار: بجنگ ندج

تسا تجـلـهج ءالعا هب ملنهخلم بالبـا — تسین رلک هت لب اسه هـح هیب رحـعله ردا -

(۸\۳۶ ناهید)

ءییگ نالتس نالج رغیة ءهـب رلـک تـقو هـچ — تسء ءزلي ولج هب ملنیبنا بگنج ردلـج هـچ -

(هملقه ناهید رب کلم)

۹. کار: فعالیت ادری

زنک ریزا لخفلـه ىعـش رضنک هـح لـهرلکز — ناليوبهه رقشه و رشیـه تـمزکله زا رسپ -

(ناهید ۲۱\۷\۹۶)

۱۰. کار: (به شکل ابتدایی) کار و بار

رحالملاء رلب و رلک زنیا ری هتلاخ رانه — بالمخ وریخرلدوسفازوتسا امشچ هزیحخشالمج -

(۳\۳۳ ناهید)

و نیز ۶\۸۸۶

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

۱۱. کار: شغل دولتی[5]

– [illegible] — [illegible]

(دیوان ۲۷۳/۶)

[illegible] — [illegible]

(دیوان ۲۱۲/۷)

۱۲. کار: دوران و [illegible]

– [illegible] — [illegible]

(دیوان ۱۳۳/۴)

۱۳. کار: پارچهٔ بافته

به این معنی در دیوان خاقانی [illegible] فقط [illegible] و آن [illegible] در این [illegible]
است:

– [illegible] — گفت در زلف [illegible] کار

(دیوان ۸۸/۱)

همچنان که گفتیم در لغت‌نامهٔ دهخدا و در شعر خاقانی به این معنی توجه شده است. به نقل از غیاث اللغات و آنندراج دربارهٔ کارگاه آمده است: «جای بافتن چیزها مخصوصاً بافتن جامه» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل کارگاه) اما در [illegible] و [illegible] واژهٔ کار آن را به معنی پارچه و منسوج [illegible] است. در حالی که سابقهٔ [illegible] ریشه‌دار است و ظاهراً واژهٔ [illegible] (کرملن) و واژهٔ انگلیسی کارپت (Carpet) [illegible] آن است؛ در ادب فارسی شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد کار در ادب اغلب به معنی پارچه و بافته شده آمده است:

– سوزن [illegible] — بخیه از آن [illegible] به روی کار بیفکند

(دیوان [illegible]، ص ۷۳۴)

– [illegible] — [illegible]

(بخیه، ذیل [illegible] از قول [illegible])

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[illegible]

(بوستان، ب ۱۸۰)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(دیوان صائب، ب ۲/۳)

همچنین [illegible] آمده
است. (دهخدا ۱۳۷۲)

واژه کارکرد هم در ادب فارسی اصطلاحاً به معنی [illegible] پرچم آمده است:

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(دیوان خاقانی، ب ۱۷۳)

همه روزه [illegible] ادب فارسی [illegible] نشان [illegible] که [illegible] واژه را با [illegible]
[illegible] است.
[illegible] است:

[illegible]

[illegible]

(دیوان عطار، ب ۱۶۲)

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

ملنیلسشگب لـه هتسب ومف رلک زا هوگ / ملنیلسشگب لـههلیـه رء هم لیآ ءهب -

(۷۶۱ ص ،لخفاه ناهیء)[۳]

وراءره رشوهگ زا ملیها مهشچ نالنچمه / ورلگءر رههگ رشفاز ز ءلتفا مچهگ -

(۱۶۶ ص ،لخفاه ناهیء)

نیا زا متهب رحلخذ لوهف رلک نیا رء مگ / ملیلشگب نالهج رلک زا هوگ رشهلخ مک نآ -

(هوگ ریاغ ،موهل تغا زا رلقذ ،بثلهم)

هتش — رلک

رهسب ملیلشا نتش رهیوهل مب / رهسگ رلک تسال ملشا رحثـگ ز -

(هتش ریاغ مهلتغا زا رلقذ ،رهسهق رحلسا)

رشلک ءهب چیهه و چیهه ز نتش / مهلاهج رهینء رلک تفلب نهبا -

(هتش ریاغ ،موهل تغا زا رلقذ ،وهسخهول)

تسامهگ نهه ملیها هتش ملنلمذ نارءه / ا خچپ مگ وآ ب هتسب رلک ز رهس رحگ

(هتش ریاغ ،مهلتغا زا رلقذ ،رحرهبلشین رحیلخذ)

زاهل — رلک

ءا سفگ وه نالب مچه رحهلن راءگ مب مچ / رلگاه مچ رحزلسب و رحزاهلجب رهسگ مه رلک -

(۳۳ ص ،رحزلتسیس رهخف ناهیء)

تسا زاهلط رلک ملیهفآ امه مگ نالک / ملزاهلطن نآ و نیا مگ مب نآ نهه رلک -

(۶۲۸ ص ،رحزاقلخ ناهیء)

– آن رلک ا ملجا زاهل (چپهلر هاللقه ،رهلخف رهخوع رهسمةلرح)

ملق — رلک

تسلاب تـ رلاکم تسا رح ءکلب مچ ال رحتسال / تسال ملیآرهمز تالبیز ملق رهب لـه رلک -

(موهل تغا زا رلقذ ،رحزلهگ رحهجاهخ)

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]
[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

کالب نالقشاله رلک تفهگب هاربلق روی مب — زخمی شیلجملا او تبش هملن نالاک روشی –

(نتفهگ کالب رلک رلین درجعش مهلن کهنرف زا لقن درلنجخ لامک)

تسا متفهگ کالب نالقشاله رلک مهک — رشلنلب ردکالب مب رقشاله ولمش –

(الخمه مهلن تغا زا لقن لخفله)

رلک — یشقن [۷]

تسهشتسش رلک رشمی مب وی مک واملیی زا — تفهز مچ مک رشالیخ رشقن ز بجعه ویاه –

(۲۳ ص ، لخفله ناآیهد)

رتسه ولگرلک زا یهسحقه رشقن ملالمهخن — لیآب نالهجب رلک رحزیی مز را مهش رقشاله –

(۲۰۶ ص ، لخفله ناآیهد)

رلک — رز

رز مجمه رشرلگو تسا ودیونفا رقنیرلرمنه — ملگری نالک بلد ورنزکاله تساوی ودمپ ل ترری –

(رجعش مهلن کهنرف زا لقن درجومه رهاظ)

تسا سفلب لیرمب و زوی رز تیلکح نالمه — نالالکمه رالیخ و نالیعله ثیلح –

(۲۶ ص ، لخفله ناآیهد)

رلک — مهپ

رلبکی مب ومیآ نامیب نامچ ودمپ ز — رلک زیا تسین نامیب ودمپ زا زهنه –

(۱۸۰ ص ، رهولخف مسمخ)

للنلخاب ترلک ز ودمپ مک منب راه لی — رالنک و مف رلمهلت مشچ مب رداومپ لی –

(۵۰۰ ص ، ردملعس تالیلک)

تسفر ولمتا مب رلک رحتخالنا مب ودمپ — ومیلب نالیی و رقشاله لم و تفرره مت هلی –

(۲۳۶ ص ، ردملعس تالیلک)

تفهگ ری زلب نالیتهلخ فلاچ رلک — تفهگب ودمپ رخ ز رلی مک لیب رهقلس –

(۵۶ ص ، لخفله ناآیهد)

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]
[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

لر — رشیهخ[۷]

ملنجر ردلاک و هیآ نوبه رشیهخ زا ردیهم   رهفهط نج عهب ةقلشه ز تسا رهالخ بهشن -

(۸۲۱ ص ،ناوید)

رشهیسس ملانلسبه تسمحر هدثم   رشیهخ رلک ملنلجر رهاا سفلطا-

(۲۶۱ ص ،ناوید)

لر — پیلین

رشهیب رشهشح و لوهف رلک وهک   رشهجه رهبلین رنلیپ رک هت -

(۷۶ ص ،نالتسهب)

ن زهس — هتش — لر

هل هب ن زهس نهچهبه رخاهت رک اعهخرلک   هلگا ل عهخ هتش رهس وهک زا رخلمانلت -

(مهلن تغا زا رلقف)

هلگلر — رشقف

رلک رد رهتسب کرتهب   رلک رهنیچ هلکلر زنیا رشقف -

(۳۶۳ ص ،رهللخف مسمخ)

وهلیننش هن وهلیه هن رخلگنهت تریهسه هب   وهلیشخ هلیه هلگلر رد هت رشقف نالیخ -

(۶۱۲ ص ،لخفلد ناهید)

رتسه هلگلر زا عهحعقه رشقف هلنامخن   لیآب نالهج رلک رخنوه هن را هش رقنلد -

(۲۰۶ ص ،لخفلد ناهید)

للناهتخیهآ سحتخه هکلر زنیا زا بب   رشفهنش زالب رشقف دازا نالنب رشقف -

(۶۱۱ ص ،لخفلد ناهید)

لر — عهخرتن

زا هلیب زهلب تدلنن هب   عهمن هتسب هچ هت رلک زنیا زا رشیب -

(رحیعش مهلنگنهف زا رلقف ،ریلنس)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

شعر — کار

[illegible] – [illegible]

(خمسه نظامی، ص ۱۳۲)

[illegible] — کار

[illegible] – [illegible]

(دیوان خاقانی، ص ۶۰۴)

دیبه — کار

[illegible] – [illegible]

(مثنوی، ۱۱۶۳/۳)

[illegible] — کار

[illegible] – [illegible]

(دیوان خاقانی، تحفة [illegible]، ص ۷۶۰)

[illegible] – [illegible]

(دیوان خاقانی، ص ۱۵۱)

لباس — کار

[illegible] – [illegible]

(دیوان خاقانی، ص ۲۳۲)

اینها همگی واژه‌هایی است از شعر شاعران بزرگ و دقیق‌نظر که واژه کار را به هم مقصودی که [illegible] در تناسب با معنی اصلی آن که همان بافته و پارچه است، بر آورده‌اند.

اما برای آنچه واژه کار را با شمع در معنی فتیله ذکر [illegible] و [illegible] کاربرد آن را نشان می‌دهند شاهد زیر [illegible] است:

[illegible] – [illegible]

(منطق‌الطیر، نقل از فرهنگ اشتقاقات، ذیل شمع)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

[illegible]

(کلیات شمس، نقل از فرهنگ اشارات)

[illegible]

[illegible]

(مختارنامه عطار، نقل از فرهنگ اشارات)

خود خاقانی هم تعبیری زیبا و دیگر در مورد فتیله شمع دارد که برداشتی از همین [illegible]

[illegible]

([illegible] ص ۳۸۳)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

۲. [illegible]

[illegible]

[illegible] آورده است:

[illegible] – [illegible]

([illegible])

[illegible] – [illegible]

(دیوان، ۱/۶۳)

[illegible]

[illegible] – [illegible]

(دیوان حافظ، ۱/۸)

[illegible] – [illegible]

(دیوان حافظ، ۱/۳۶)

[illegible] – [illegible]

(دیوان حافظ، ۲/۳۸)

[illegible]

[illegible][11]

[illegible] – [illegible]

(دیوان حافظ، ۲/۳۳)

۳– [illegible]:

[illegible] – [illegible]

(کلیات سعدی، ص ۶۱۳)

[illegible] – [illegible]

(کلیات سعدی، ص ۵۳۲)

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

در این بیت الفاظ همچنان که یادآوری شهید بالا رفتن پرده از دور معشوق ملموس است با بالا آمدن فتیله چراغ مصحف انس عاشقان.

طبیعت شمع سر گرفته هم در بیت وهم تکلیف بر چنین معنوی است که هر به دو معنی و ... (شمع پرنده) هم الفاظ در گرفته سر طبیعت برای شمله ... و تمثیله همه در ... شمله ...

تجربه گیر

[illegible]

. . .) است آمده و شمله ...

پی نوشت

1. از این ... [illegible]

2. [illegible]

3. [illegible] (۱۳۷۶ ...).

3. [illegible]:

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

[illegible] (ص ۳۲)

۵. در متون ادبی [illegible] آن «هوم» آمده که [illegible] است. در [illegible]

[illegible]

۶. به [illegible] در این بخش، شماره صفحه دیوان حافظ آمده است.

۷. [illegible] است.

۸. یادآوری [illegible] جهت [illegible]:

[illegible]

(ص ۶۰، [illegible])

۹. برای [illegible] دیوان حافظ [illegible]. ر.ک. حافظ‌نامه، ص ۱۵۸.

۱۰. سعدی هم در گلستان این [illegible] را چنین [illegible]:

[illegible]

(گلستان، ص ۱۶۳)

[illegible] است. (ص ۱۲)

منابع

۱. ادیب برومند، عبدالعلی؛ غزلیات حافظ؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۶۷.

۲. استعلامی، محمد؛ درس حافظ؛ تهران: سخن، ۱۳۸۲.

۳. اهور، پرویز؛ کلک خیال‌انگیز؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.

۴. [illegible]؛ زین آتش نهفته؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۶۷.

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

۵. [illegible] آیینه افلاک [illegible] تهران: [illegible]، ۱۳۶۸.

۶. [illegible]: دیوان اشعار؛ به تصحیح [illegible]؛ چاپ دوم، تهران: [illegible]، ۱۳۶۲.

۷. ____________________: دیوان اشعار؛ به تصحیح [illegible]؛ چاپ [illegible]، تهران: [illegible]، ۱۳۸۰.

۸. ________________: دیوان اشعار؛ به تصحیح [illegible]؛ تهران: [illegible].

۹. [illegible]: دیوان اشعار؛ به تصحیح [illegible]؛ چاپ [illegible]، تهران: [illegible]، ۱۳۷۷.

۱۰. [illegible]

۱۱. [illegible]، ۱۳۷۷.

۱۲. [illegible]، ۱۳۷۵.

۱۳. [illegible]: تهران: [illegible].

۱۴. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۷۷.

۱۵. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۱.

۱۶. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۸.

۱۷. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۵.

۱۸. ____________: [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۹.

۱۹. ____________: [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۸.

۲۰. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۷۷.

۲۱. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۷۷.

۲۲. [illegible]: تهران: [illegible]، ۱۳۶۳.

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]

۲۳. ______: فرهنگ واژه‌نمای کنایات سعدی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.

۲۴. عراقی، فخرالدین: دیوان اشعار؛ به تصحیح سعید نفیسی، چاپ دوم، تهران: سنایی، بی تا.

۲۵. عفیفی، رحیم: فرهنگنامه شعری؛ تهران: سروش، ۱۳۷۶.

۲۶. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس: قابوسنامه؛ به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۲۷. فرزاد، مسعود: مقالات تحقیقی درباره حافظ؛ به اهتمام منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید، ۱۳۶۷.

۲۸. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ: دیوان اشعار؛ به تصحیح محمد دبیرسیاقی؛ چاپ ششم، تهران: زوار، ۱۳۸۰.

۲۹. مصفا، ابوالفضل: فرهنگ ده هزار واژه حافظ؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۶۹.

۳۰. مولوی بلخی، جلال الدین محمد: مثنوی معنوی؛ به تصحیح رینولد نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۳۱. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین: کشف الاسرار و عدة الابرار؛ به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۳۲. ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین: دیوان اشعار؛ به تصحیح مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.

۳۳. نظامی گنجوی، الیاس بن محمد: کلیات خمسه؛ تهران: امیرکبیر، بی تا.

۳۴. نظام الملک، ابوعلی حسن: سیرالملوک (سیاست نامه) به اهتمام جعفر شعار، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵.

۳۵. نیاز کرمانی، سعید: مجموعه حافظ شناسی؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۶۴.

۳۶. هروی، حسینعلی: شرح غزلهای حافظ؛ [illegible]: [illegible]، بی تا.

۳۷. همایون فرخ، رکن الدین: حافظ خراباتی؛ چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۶۹.

[Downloaded from lire.modares.ac.ir on 2024-11-27]

[DOR: 20.1001.1.17352932.1384.2.8.5.6]